



دانشگاه پارس

داستان مای از پرسی سریان

(موسی و دیگر سرایندگان)

«پرسی و مای»

دقتر کیم

نویسنده پرسی: غلامحسین مراقبی - انجمنی: مریم یاد

سرناسه	مراقبی، غلامحسین، ۱۳۳۰-
عنوان و نام پدیدآور	داستان‌هایی از پارسی‌سرایان (پارسی و انگلیسی) / نویسنده پارسی غلامحسین مراقبی؛ [ترجمه به انگلیسی] مریم بیاد.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه معماری و هنر پارس، انتشارات، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	ج۳؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک	دوره: 6-0-99972-978-622؛ ج۱: 3-5-99972-978-622
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	فارسی-- انگلیسی
یادداشت	کتابنامه
موضوع	داستان‌های کوتاه فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	Short stories, Persian-- 20th century
موضوع	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی و دیگران-- اقتباس‌ها
موضوع	Mawlawi, Jalaladdin Mohammad ibn Mohammad, 1207-1273. : Masnavi and others-- Adaptation
شناسه افزوده	سلاطین بیاد، مریم، ۱۳۴۰- مترجم
شناسه افزوده	دانشگاه معماری و هنر پارس، انتشارات
رده‌بندی کنگره	۳۹۷ ر. ۲۳۳/۱۰۲۳۳ PIR۳۶۱
رده‌بندی دیویی	۲/۳۳۱
شماره کتابشناسی ملی	۱۴/۸۱۱۰



نام کتاب: داستان‌هایی از پارسی‌سرایان «پارسی و انگلیسی» (مترجم)

نویسندگان: پارسی: غلامحسین مراقبی - انگلیسی: مریم بیاد

طراح جلد: فاطمه مرادی

ناشر: دانشگاه پارس

نوبت چاپ: نخست، فروردین ۱۳۹۸

شابک دوره: ۶-۰۰-۷۲۹۹۹-۶۲۲-۹۷۸

شابک جلد اول: ۳-۵-۷۲۹۹۹-۶۲۲-۹۷۸

بها: ۲۵۰۰۰۰ ریال

فهرست

پیش سخن.....	۵
نگاهی به زندگانی محمد مولوی.....	۹
هان! چه می‌جویی؟.....	۱۷
حمه! آن بگریز، چون عیسی گریخت.....	۱۹
گرا! می‌پنداردم!.....	۲۱
علت عاشق را خدا بد جداست.....	۲۳
بابا من ترا به من خواهد، تو می‌گویی غریبال ندارم!.....	۲۶
هر که را با ضربه گذشتند.....	۲۸
عاقبت جوینده یابست بود.....	۳۰
به کجا روی هراسان؟.....	۳۲
تو مگر از شیشه روغن ریختی؟.....	۳۴
کار خود کن، کار بیگانه مکن!.....	۳۷
آفتاب آمد دلیل آفتاب!.....	۴۰
تا شومی تو دامنم را نگرفته، از من دور شو!.....	۴۲
از طبیبی تو همین آموختی؟.....	۴۴
این مردم گوساله‌پرستند!.....	۴۶
گفت: فردا بشنوی این بانگ را.....	۴۸
موسنی با موسنی در جنگ شد.....	۵۰
هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو!.....	۵۲
عقل جبه و دستار می‌خواهد و عشق خانه خمار!.....	۵۵
مست و هشیار در نگاه دو شاعر.....	۵۸
این چنین قسمت ز کی آموختی؟.....	۶۰
باد از آن آورند پیر و جوان.....	۶۳

- ۶۶ رازت را با ناهل در میان مگذار!
- ۶۹ بی‌غش و زنگار، چون آینه باش!
- ۷۱ کین او مهر است و مهر اوست کین!
- ۷۵ کند هم‌جنس با هم‌جنس پرواز
- ۷۷ با سلیمان خو کن!
- ۸۰ کودکان مکتب‌خانه
- ۸۳ شیر گاوش خورد و برجایش نشست
- ۸۵ در بهشت آوازا بشنودایم
- ۸۷ تشنه‌ای بر لب درخت گردو
- ۸۹ آمد درختان
- ۹۱ از قدیم این درها کجاست!
- ۹۴ جنون عشق
- ۹۸ صفای دل
- ۱۰۰ باید با چشم دید!
- ۱۰۲ زشتی، راه‌رهایی!
- ۱۰۴ درگذر از نام و بنگر در صفات!
- ۱۰۷ کز نماید راست، در پیش کژان!
- ۱۰۹ مه فشاند نور و سگ وعوع کند
- ۱۱۲ خدایا، بنده‌پروری را از عمید بیاموز!
- ۱۱۴ یک کلاغ چهل کلاغ
- ۱۱۸ می‌خوام خودمو نذر دین!
- ۱۲۱ آینه عیрт
- ۱۲۴ شیر بی‌بال و دم و اشکم که دید
- ۱۲۷ شاه عاشقان

پیش‌سخن

بافتارهای دیوانی، ساختارهای آیینی، بیم جان و نیاز به زیستن در حال و مان، سرایندگان پارسی را، ناخودآگاه و به ناگزیری برآمده از نیاز به سخن گفتن، حتی چالشگری، به سوی داستان‌سرایی کشانید.

سرایندگان دریافتند که دیوانیان را نمی‌توان با اندرز و اخلاق؛ دادگری و مردم‌داری آموخت، ریزش، آنان به تمثیل و گاه نمادهای حیوانی روی آوردند، و چنین شد که داستان‌های زیبایی، از فرمانروایان و شادکامی‌ها و عاشقانه‌هایشان پدید آمد. شکوه این افسانه‌ها را در هفت‌پیکر و خسرو شیرین و هزارویک شب می‌بینیم.

اما سوی دیگر، که بیشتر از پالانه‌های سده پنجم و از ششم به پس، آغاز شد، داستان‌سرایی برای مردم است. برای آن را در اندیشه سرایندگان صوفی‌مرام باید جست که آنان برای گستراندن باورهای طریقتی‌شان، در برابر شریعتی‌های حاکم، ناگزیر داستان‌هایی سراییدند که خواستارانش مردم بودند؛ زیرا طریقتی‌ها نیاز به مرید فراوان داشتند.

آغازگر این گونه داستان‌سرایی، سنایی غزنوی است، اما سنایی سنایی، چندان مردمی نیست، پس باید ساده‌تر و روان‌تر و حتی آمیخته به هزل سرود. عطار نیشابوری، داستان‌سرایی را آغاز می‌کند، روان و ساده و مردمی، از زبان مردم، از زبان حیوانات و از همه مهم‌تر، عطار به طنز دلبسته، طنز را در اعتراض به همه چیز، حتی به آفریننده، در داستان عمید نیشابوری می‌گنجانند.

تا آن که نوبت به سرایندۀ بزرگ مولوی رسید، او داستان‌ها را سمت و سوی باورمندی‌های خود داد، موضوع را از دیگر شاعران و حتی کلیله و دمنه، جوامع‌الحکایات و ... می‌گرفت و آن‌ها را با پوششی از باورمندی‌های خود باز می‌سرود. آنچه که در پی می‌آید، بیشینه داستان‌سرایی‌هایی است از مولوی که کوشیده‌ایم آن‌ها را آنچنان‌گزینه کنیم، که گویای گزینه‌ای از باورها و دلبستگی‌های جلال‌الدین محمد مولوی است.

تا آن که نگاهمان را سویه‌ای همه‌سویه داده باشیم، داستانی از سنایی و کره یاری از سهروردی و طنزی از عطار و داستانی از قاضی بلخ را به‌گزیده‌ایم. داستان‌های مولوی افزوده‌ایم، نیز از چشم عوفی نویسنده جوامع‌الحکایات و لهامی الرویات، نگاهی به بغداد افکنیدیم و دریافتیم که شهر خلیفگان عباسی، شرق دریای است، آنچنان که «واهمه از آن دارم که خودم را هم ندزدند» با خاقانی به پایتخت پرشکوه ساسانیان رفتیم و دریغ می‌خوریم از روزگار گذشته و بی‌درنگ به پایتخت انوشیروان می‌رویم تا عبرت بگیریم از آن «سه سکوه، همچنین هماوا می‌شویم با شهزاده‌ای که عشق را برگزید».

زبان نوشتار پارسی، روایی است، با آذینی از بیت و در برابر زبان انگلیسی نیز بازگردانی است از زبان پارسی، روان و آموختاری. این گزینگی، چهل و پنج داستان است، که سرآغازی است برای بازگفت و ترجمان دیگر داستان‌های پارسی در دفترهای پسین. نویسنده داستان‌های پارسی غلامحسین مراقبی و سخن‌پرداز انگلیسی دکتر مریم بیادند که نقد و نگاه خوانندگان را چشم بر راهیم.

داستان‌هایی از پارسی‌سرایان □ ۷

یادآوری می‌کنیم که گزینۀ داستان‌ها برای بهره‌برداری آموزشی، دانشگاه‌ها و همه آنانی است که می‌خواهند با دو زبان پارسی و انگلیسی با داستان‌های مولوی آشنا شوند.

غلامحسین مراقبی - مریم بیاد

برفریزان ۱۳۹۷

www.ketab.ir